

تحلیل آماری تشبیه در دیوان رودکی

محمد مهدی رضاپور آکردی**

دکتر علی اصغر حلبی*

چکیده

تشبیه اساسی ترین عنصر سازنده دستگاه بلاغی است که سایر اجزای این دستگاه چون استعاره و کنایه بر پایه آن ساخته می شود. شعر فاقد تشبیه از نوادر است و تقریباً وجود ندارد. میزان مهارت هر شاعر و بسیاری از دگرگونی های سبکی را می توان از این طریق بررسی نمود. از میان تصاویر گوناگون خیالی، تشبیه مهم ترین نوع تصاویری است که رودکی بدان علاقه نشان داد. اساساً دستگاه بلاغی شعر رودکی بر پایه تشبیه شکل گرفته و استعاره و کنایه و ... جایگاه چندانی در اشعار وی ندارند. تشبیهات او بیشتر از نوع حسی به حسی است (حدود هشتاد درصد) تشبیهات عقلی به عقلی کمتر مورد توجه بوده است (حدود سه درصد). اکثر تشبیهات از نوع مرسل هستند یعنی در بیشتر موارد مشبه و مشبه به و ادات و حتی در مواردی وجه شبه ذکر می شود. در تشبیهات مرسل ادات تشبیه عبارتند از: چون، همچو، همچون، چونان، چنانکه، کردار، بر کردار، به کردار، به مثل، راست، آسا گونه که از ادات معروف شعر فارسی اند. در تشبیه به اعتبار شکل بعد از تشبیه مطلق تشبیهات مفروق و جمع بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده اند. وفور چنین ساختارهایی می تواند از ویژگی های این دوره باشد. وجوه شبه در اشعار رودکی به ترتیب بر صفت و حالت، رنگ، حرکت و عنصر معنی دلالت می کند. انس به طبیعت و مظاهر آن سبب می شود به اعتبار مشبه و مشبه به، اشیا و عناصر طبیعی بیشترین تصاویر را به وجود آورند.

در این مقاله نگارنده به تجزیه و تحلیل آماری تشبیه به اعتبار طرفین، ساختار و شکل پرداخته است.

واژه های کلیدی: رودکی، تشبیه، مشبه، مشبه به، وجه شبه، تحلیل آماری

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۷/۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۲۵

رودکی شاعر استاد قرن چهارم است که او را به سبب مقام بلندش در شاعری و به علت پیشوایی پارسی گویان و آغازیدن بسیاری از انواع شعر به حق «استادشاعران» لقب داده اند. کنیه و نام ونسبش «ابوعبدالله جعفر بن محمد» و علت اشتهاش به رودکی انتساب او به ناحیه رودک سمرقند دانسته شده است. «(صفا، ۱۳۷۲، ۱۰۱) «وی چنان ذکی و تیز فهم بود که در هشت سالگی قران تمامت حفظ کرد و قرائت بیاموخت و شعر گفتن گرفت و معانی دقیق می گفت چنانکه خلق بر وی اقبال نمودند و رغبت او زیادت شد و او را آفریدگار تعالی آوازی خوش و صوتی دلکش داده بود و به سبب آواز در مطربی افتاده بود. و بربط بیاموخت و در آن ماهر شد و آوازه او به اطراف و اکناف عالم برسید و امیر نصر بن احمد سامانی که امیر خراسان بود او را به قربت حضرت خود مخصوص گردانید و کارش بالا گرفت.» (عوفی، ۱۳۶۱: ۶-۷)

رودکی چون هر شاعر دیگر برای القای معانی و تخیلات و تفکرات خویش از عناصر بلاغی بهره برده است. دستگاه بلاغی اشعار رودکی بر پایه تشبیه شکل گرفته و استعاره، کنایه و... جایگاه چندانی در اشعار وی ندارند. تشبیهات و توصیفات او در نهایت لطف و دقت بود. هیچ کس به خوبی او شراب را عقیق گذاشته و دندان را به ستاره سحری و قطره باران مانند نکرده بود. از این گونه تشبیهات لطیف درخشان در شعر او بسیار می توان یافت. (زرین کوب، ۱۳۶۹، ۱۲) تشبیهات او بیشتر از نوع حسی به حسی یا عقلی به حسی اند. از نظر رودکی صحنه های طبیعت جاندارند و مثل یک میدان رزم است. که در آن باد صبا نقیب لشکری است که چرخ بزرگوار فراهم کرده و در آن میدان برق نقاط انداز و تندر طبل زن است. در اغلب موارد تمام اجزای تشبیه ذکر می شود، یعنی در بیشتر موارد مشبه و مشبه به و ادات تشبیه و حتی در مواردی وجه شبه ذکر می شود، او تصویر را مثل شاعران اواخر قرن پنجم و یا حتی اوایل قرن پنجم خلاصه نمی کند. (شفیعی، ۱۳۹۰، ۴۱۷)

درباره زبان و شیوه بیان رودکی پژوهش های زیادی توسط بزرگانی چون سعید نفیسی، محمد جعفر محجوب، ذبیح الله صفا و شفیع کدکنی انجام شده است که همگی آنها به روش کیفی به این امر پرداختند. نبود مجموعه ای مدون در زمینه تحلیل تشبیه در اشعار رودکی نگارنده را بر آن داشت تا برای دست یابی به هدف مورد نظر با دقت -در حد امکان- همه تشبیهات موجود در اشعار رودکی را از جهات ۱- وجه شبه و ادات ۲- به اعتبار مشبه ۳- به اعتبار مشبه به ۴- به اعتبار طرفین آن (حسی و عقلی بودن مشبه و مشبه به) ۵- به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن ۶- به لحاظ شکل، به روش کمی شاهد موردی مورد تحلیل و توصیف قرار دهد به این امید که با این پژوهش بتوان به درک درست تری از سروده های رودکی دست یافت. لذا این مقاله در پی پاسخ گویی به این سؤال است که آیا به وسیله داده های کمی و تحلیل تشبیهات موجود در شعر رودکی، رودکی و شعر او را می توان شناخت؟

تشبیه به اعتبار وجه شبه و ادات

وجه شبه : همان صفت مشترک میان دو طرف است و در مشبه از مشبه به قوی تر است و وجه شبه گاهی در کلام ذکر، و گاهی حذف می شود. (هاشمی، ۱۳۸۷، ۱۲)

وجه شبه نشانگر جهان بینی و وسعت خیال شاعر است . در نقد شعر به واسطه وجه شبه متوجه نوآوری یا تقلید شاعر می شویم. در سبک شناسی توجه به وجه شبه از اهمیت فراوانی برخوردار است. زیرا در هر سبک جدیدی بین اشیا و امور تازه ای به عنوان مشبه و مشبه به رابطه ایجاد می شود، یعنی شاعر بین دو چیز تازه شباهتی می یابد. و گاهی بین امور کهنه شباهتی تازه کشف می کند به طور کلی می توان گفت تغییر نگرش ها را باید در وجه شبه ها جست. فهم هر اثر هنری به خصوص شعر ابتدا منوط به درک و فهم وجه شبه های مطرح در آن است.

«به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر شده است تشبیه مفصل گویند» (شمیسا، ۱۳۷۴، ۳۴)

نمونه:

جهان چو چشمیست گرد و گردانست	همیشه تابود آیین گرد، گردان بود (رودکی، ۸۲ب ۱۹۱)
سرو بودیم چند گاه بلند	کوژ گشتیم و چون درونه ^۱ شدیم (همان، ۱۴۱، ۷۵۱)

«به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر نشده باشد تشبیه مجمل گویند» (شمیسا، ۱۳۷۴، ۳۴)

نمونه:

زر خواهی و ترنج، اینک این دو رخ من	می خواهی و گل و نرگس از آن دو رخ جوی (رودکی ۱۵۱)
فاخته گون شد هوا ز گردش خورشید	جامه جامه به نیک فاخته گونست (همان، ۱۳۱ب ۶۷۹)

ادات تشبیه : واژه ای است که نشان دهنده پیوند شباهت است. این واژه می تواند حرف، فعل و... باشد.

رودکی در اشعارش از واژه هایی چون: چو (ص ۹۵) چون (۹۸) همچون (ص ۱۱۰) همچو (ص ۱۸۰) چونان (ص ۶۸) چنانکه (۱۰۹) چنانچون (ص ۱۰۹) گویی (ص ۱۱۰) به سان (ص ۸۳) راست (ص ۱۳۵) گون (ص ۱۶۶) کردار (ص ۷۲) به کردار (ص ۹۸) بر کردار (ص ۱۰۸) آسا (ص ۸۶) به مثل (ص ۱۰۹) که از ادات معروف شعر فارسی اند به عنوان ادات تشبیه استفاده کرده است.

تشبیه مرسل: «تشبیهی است که در آن ادات ذکر شود» (هاشمی، ۲۲۶، ۱۳۸۳)

نمونه:

چاکرانت به گه رزم چو خیاطند	گرچه خیاط نیند، ای ملک کشور گیر (رودکی، ۹۱ب ۲۸۷)
ایا سرو بن، در تک و پوی آنم	که فرغند ^۲ آسا بیچم به توبر (همان، ۸۶ب ۲۴۵)

تشبیه بلیغ: «تشبیهی است که در آن نه وجه شبه ذکر شود و نه ادات تشبیه» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۳۵)

۱ . کمان حلاجی، آنچه به شکل کمان باشد (عمید، ۱۳۷۱، ۵۹۶)

۲ . گیاهی که بر درخت پیچد و بالا برود (همان، ۱۳۷۱، ۹۱۰)

در این نوع تشبیه، حذف وجه شبه سبب کنکاش ذهنی و التذاذ ادبی می شود. به علاوه حذف ادات تشبیه، ادعای اتحاد و همسانی مشبه و مشبه به را قوت می بخشد.

انواع تشبیه بلیغ

۱- اضافی: عبارت است از «تشبیهی که در آن مشبه و مشبه به، به هم اضافه شده باشند. مثل قد سرو» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۴۵)

در دیوان رودکی تشبیهات زیبایی از این قسم آمده است.

لب لعل (ص ۸۰) صدف دهن (۱۲۲) کشتی عمر (ص ۷۲) زهر طلب (ص ۹۵) صرصر هجر (ص ۸۰) باد اجل (ص ۸۰) درخت عمر (ص ۸۰) آتش هجر (۱۴۶) داغ جفا (ص ۷۰) چشمه خورشید (ص ۹۹) بحر کف (ص ۸۹) چمن عقل (ص ۱۱۶) گلشن عشق (ص ۱۱۶)

نمونه:

صر صر هجر تو ای سرو بلند ریشه عمر من از بیخ بکنند (رودکی، ۸۰ ب ۱۷۱)

چمن عقل را خزانی اگر گلشن عشق را بهار تویی (همان، ۱۱۶ ب ۵۷۱)

۲- غیر اضافی (اسنادی): که در آن «مشبه» به «مشبه به» اسناد داده می شود. «تشبیهی است که در آن ادات و وجه شبه حذف شده باشد. می تواند به صورت غیر اضافه نیز به کار رود در این صورت اغراق در آن به اوج می رسد. زیرا در کلام ادعای همسان بودن قوی تر از ادعای شبیه بودن است» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۴۶)

نمونه:

این جهان پاک خواب کردار است آن شناسد که دلش بیدار است (رودکی، ۷۲ ب ۷۷)

مرا جود او تازه دارد همی مگر جودش ابرست و من کشت زار (همان، ۸۸ ب ۲۵۸)

صاحب عیارالشعر تشبیهات را به انواع مختلفی تقسیم کرده است از جمله تشبیه چیزی به چیزی در صورت و هیات یا به معنا، یا به حرکت، یا به کندی و شتاب و یا رنگ و صوت. (شفیعی، ۱۳۹۰، ۶۷) اگر شعر رودکی را از جهت عناصری که دلالت بر وجه شبه می کنند مورد بررسی قرار دهیم متوجه خواهیم شد عنصر صفت و حالت در تصویرهای شعری او مهمترین عنصر است. در مرحله بعد رنگ، حرکت و عنصر معنی سهمی را در وجه شبه های شعری او دارند.

۱- وجه شبه هایی که موضوع آنها صفت و حالت است.

نمونه:

هر دم که مرا گرفته خاموش پیچیده به عافیت چو فرغند (رودکی، ۱۳۴)

به زلف چوگان نازش همی کنی تو بدو ندیدی آن گه او را زلف چوگان بود (همان، ۸۳)

۲- وجه شبه هایی که موضوع آنها حرکت است.

نمونه:

درنگ آر ای سپهر چرخ و آ را
کیاخن^۱ ترت باید کرد کارا (رودکی، ۱۸۵)
وآن زن از دکان فرود آمد چو باد
پس فلرزنگش^۲ به دست اندر نهاد (همان، ۱۵۴)

۳- وجه شبهه هایی که موضوع آنها رنگ است.

نمونه:

تاک رزینی شده دینارگون
پرنیان سبز او زنگار گون (رودکی، ۱۶۶)
رخ اعدات از تش نکبت
همچو قیر و شبه سیاه آمد (همان، ۱۳۳)

۴- وجه شبهه هایی که موضوع آنها عناصر انتزاعی (معنی) است. یعنی چیزهای غیر حسی که به عقل ادراک می شوند و در عالم خارج وجود ندارند. «از دیدگاه دیگر وجه شبهه گاه امری است مثل تشبیه پوست بدن به پرنیان و گاه ممکن است عقلی باشد از قبیل شجاعت و بردباری و ایمان» (شفیعی، ۱۳۹۰، ۶۷)
نمونه:

دلخزانه پر گنج بود و گنج سخن
نشان نامه ما مهر و شعر عنوان بود (رودکی، ۸۳ب، ۲۰۶)
در این بیت شاعر دل پر از عواطف و احساسات شاعرانه خود را به خزانه ای پر از گنج مانند کرده. وجه شبهه ارزشمندی و گران قیمتی است که امری انتزاعی است.
جز بمادندر این جهان گربه روی
با پسندر کینه دارد همچو با دختر (همان، ۱۲۷ب، ۶۵۳)

انواع تشبیه به لحاظ شکل

۱- مطلق: «تشبیه مطلق یا صریح آن است که چیزی را به چیزی تشبیه کنند بدون هیچ قید و شرط» (همایی، ۱۳۶۸: ۲۳۵) اغلب تشبیهات موجود در دیوان رودکی از این نوع است.
نمونه:

کمندش بیشه بر شیران قفس کرد
فیلکش^۳ دشت بر گرگان خباک^۴ (رودکی، ۱۲۸ب، ۶۵۹)
لبت سیب بهشت و من محتاج
یافتن را همی نیابم ویل (همان، ۱۴۰ب، ۷۴۰)

۲- ملفوف: چند مشبه (حداقل دو تا) جداگانه ذکر شود و سپس مشبه به های هر کدام گفته شود. این گونه تشبیه مبتنی بر صنعت لف و نشر است. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۴۷)
در دیوان رودکی یک مورد مشاهده شده است.

۱. آهسته و نرم (معین، ۱۳۷۵، ۳۱۴۷/۱)

۲. دستار و پارچه ای که خوراکی یا زر و سیم و یا چیزی دیگر در آن پیچند (همان، ۱۳۷۵، ۲۵۶۶/۲)

۳. تیری که پیکان آن دو شاخه باشد (همان، ۱۳۷۵، ۲۵۹۸/۱)

۴. چهار دیواری که گاو و گوسفند و سایر چهارپایان را میان آن جا دهند (عمید، ۱۳۷۱، ۵۴۳)

نگارینا شنیدستم که: گاه محنت و راحت
 یکی از کید شد پر خون، دوم شد چاک از تهمت
 سه پیراهن سلب بودست یوسف را به عمر اندر
 سوم یعقوب را از بوش روشن گشت چشم تر
 رخم ماند بدان اول، دلهم ماند بدان ثانی
 نصیب من شود در وصل آن پیراهن دیگر؟

(رودکی، ۸۷ب، ۲۴۹-۲۴۷)

۳- **تشبیه جمع:** «آن است که دارای چند مشبه به و یک مشبه باشد» (هاشمی، ۱۳۸۷، ۲۶).
 از این نوع تشبیه در دیوان رودکی ۲۱ مورد آمده است.
 نمونه:

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود
 نبود دندان لابل چراغ تابان بود
 سپید سیم رده بود، در و مرجان بود
 ستاره سحری بود و قطره باران بود
 باد و ابرست این جهان افسوس
 (رودکی، ص ۸۲ب، ۱۸۸-۱۸۹)
 باده پیش آر هرچه بادآباد (همان، ۷۴ب، ۱۰۷)

۴- **تشبیه تسویه:** «عکس تشبیه جمع است یعنی چند چیز را به یک چیز تشبیه کنند»
 (همایی، ۱۳۶۸: ۲۳۷)
 در دیوان رودکی ۶ نمونه از این قسم تشبیه آمده است.
 نمونه:

آمد این نو بهار توبه شکن
 پرنیان گشت باغ و برزن و کوی (رودکی، ۱۵۲ب، ۸۲۲)
 ریگ آموی و درشتی راه او
 زیر پایم پرنیان آید همی (همان، ۱۱۳ب، ۵۳۵)

۵- **تشبیه تفضیل:** «آن است که نخست تشبیه کنند. پس از فراغت از تشبیه، مشبه را به مشبه به
 تفضیل و ترجیح دهند.» (همایی، ۱۳۶۸، ۲۳۶)
 در این نوع تشبیه گوینده مشبه را بر مشبه به ترجیح می دهد از نظر معنی بین تشبیه تفضیل و مضم
 فرقی نیست. گاهی این دو تشبیه را با هم می آورند.
 نمونه:

حاتم طایی تویی اندر سخا
 رستم دستان تویی اندر نبرد
 نی که حاتم نیست با جود تو راد
 نی که رستم نیست در جنگ تو مرد (رودکی؛ ۷۶ب، ۱۲۰-۱۲۱)

۶- **تشبیه مضم:** «تشبیه مضم به معنی تشبیه پنهان است در این نوع تشبیه ظاهرا با ساختار تشبیهی
 مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است.» (شمیسا، ۱۳۷۴، ۷۴) در شعر رودکی از این نوع تشبیه ۶
 نمونه مشاهده شده است.

نمونه: سرو است آن یا بالا؟ ماهست آن یا روی؟ زلفست آن یا چوگان؟ خالست آن یا گوی؟
 (رودکی، ۱۵۲ب، ۸۲۱)

در این بیت شاعر به صورت غیر مستقیم بالای معشوق را به سرو، روی را به ماه، زلف را به چوگان و خال را به گوی مانند کرده است شاعرچندان این امور را شبیه به هم یافته است که در تشخیص آنها تردید و بی اطلاعی نشان می دهد. بنابراین در این بیت صنعت تجاهل العارف نیز وجود دارد و آن این است که «در اسناد امری به امری یا در تشخیص بین دو امر کاملاً متباین، تردید یا بی اطلاعی نشان دهند. پس زرف ساخت تجاهل العارف، تشبیه مضمراست که همواره با غلو همراه است» (شمیسا، ۱۳۷۱، ۸۰)

گل صد برگ و مشک و عنبر و سیب یاسمین سپید و مورد^۱ غریب

این همه یکسر تمام شدست نزد تو ای بت ملوک فریب (همان، ۶۹، ۵۴-۵۵)

۷- تشبیه مشروط: «آن است که چیزی را به چیزی مانند کنند با شرطی و قیدی» (همایی، ۱۳۶۸، ۲۳۵) این نوع تشبیه در شعر رودکی ۳ مورد آمده است.

نمونه:

آن زنخدان به سیب ماند راست اگر از مشک خال دارد سیب (رودکی، ۷۰، ۵۸)

به سرو ماند، گر سرو لاله داربود به مورد ماند، گر مورد روید از نسرین (همان، ۱۴۴، ۷۷۰)

۸- مفروق: «گرد آوردن هر مشبه با مشبه به است» (هاشمی، ۱۳۸۷، ۲۵)

آن است که یک مشبه و مشبه به ذکر کنند و در عقب آن یک مشبه و مشبه به دیگر. از مختصات برجسته دستگاه بلاغی اشعار رودکی، کثرت تشبیهات مفروق است. و فور چنین ساختارهایی می تواند از ویژگی های این دوره محسوب شود زیرا در این روزگار دستگاه بلاغی با تراحم تصویر روبه روست و این نوع تشبیه بر تراحم تصویر می افزاید. زیباترین تشبیهات رودکی در این شکل دیده می شود. در دیوان رودکی ۴۵ مورد از این نوع تشبیه مشاهده شده است.

نمونه:

نفاط^۲ برق روشن و تندرش طبل زن دیدم هزار خیل و ندیدم چنین مهیب (رودکی، ۶۸، ۳۹)

میر سروست و بخارا بوستان سرو سوی بوستان آید همی (همان، ۱۱۳، ۵۳۹)

تشبیه به اعتبار طرفین (حسی و عقلی بودن مشبه و مشبه به):

حسی: «یعنی با یکی از حواس پنجگانه ظاهری قابل درک باشد» (هاشمی، ۱۳۸۷، ۱۷) و آن عبارتند از: بینایی، شنوایی، بویایی و چشایی.

عقلی: «چیزهای غیر حسی است. بنابراین عقلی آنچه را که با ذهن درک می شود فرا می گیرد. مثل اندیشه، خوی و خلق، بخت، آرزو، دانش، زیرکی داشتن و دلاوری. وهمی و وجدانی را نیز فرا می گیرد.» (هاشمی، ۱۳۸۷، ۱۸)

۱. درختی است شبیه به درخت انار برگ هایش سبز و ضخیم، گل هایش سفید و همیشه سبز است. (عمید، ۱۳۷۱، ۱۱۳۲)

۲. دسته ای از سپاهیان بوده اند که آتش و چیزهای شعله ور با نفت به طرف دشمن می انداخته اند. (همان، ۱۳۷۱، ۱۱۶۵)

تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن به ۴ قسم تقسیم می شود.

۱- حسی به حسی:

حدود ۸۰ درصد از تشبیهات در شعر رودکی حسی به حسی اند. این ناشی از آن است که رودکی در روزگاری شعر می سرود که شاعران با طبیعت و مظاهر آن انس و همدلی فراوان داشتند. و تصاویر هر چیزی را در طبیعت متجلی می دیدند. از نظر رودکی طبیعت جاندار است. که در آن ابر تیره و باد صبا به عنوان نقیب لشکر حضور دارد. و چرخ بزرگوار لشکری فراهم کرده که در آن میانه برق نفاط و تندر طبل زن است.

نمونه:

چرخ بزرگوار یکی لشکری بکرد لشکرش ابر تیره و باد صبا نقیب (رودکی، ۶۸، ب ۳۸)
نفاط برق روشن و تندرش طبل زن دیدم هزار خیل و ندیدم چنین مهیب (رودکی، ۶۸، ب ۳۸-۳۹)
از نظر رودکی خندیدن لاله از دور به ماندسر انگشتان حنا بسته عروسی است.

لاله میان کشت بخندد همی ز دور چون پنجه عروس به حنا شده خضیب (همان، ۶۹، ب ۴۶)
۲- مشبه حسی مشبه به عقلی:

در این نوع از تشبیه امور محسوس و مادی به امور ذهنی و انتزاعی مانند شده است. به لحاظ ثنوری این نوع تشبیه نباید وجود داشته باشد چون غرض از تشبیه این است که به کمک معلومی وضع مجهولی را در ذهن روشن کنیم بدیهی است که عقلی همیشه نسبت به حسی اخفی است از این رو در این گونه تشبیهات شاعر باید وجه شبه ای را که در نظر دارد ذکر کند. بدین ترتیب این گونه تشبیه همواره مفصل است. (شمیسا، ۱۳۷۴، ۳۷) گاهی به ندرت دیده می شود که وجه شبه را ذکر نمی کنند در این صورت باید مشبه به عقلی در صفتی بسیار معروف باشد. در شعر رودکی زرع و ذرع چون بهشت است و ممدوح چون رضوان و ساعد معشوق مثل ساعد حورا و رویش دریای حسن و.... در دیوان رودکی ۷/۳۳ درصد از تشبیهات از این نوع اند.

نمونه:

اگر می نیستی، یکسر همه دلها خرابستی اگر در کالبد جان را ندیدستی، شرابستی (رودکی، ۱۱۰، ب ۵۰۶)

دشمن از اژدهاست پیش سنانش گردد چون موم پیش آتش سوزان (همان، ۱۰۲، ب ۴۱۶)

۳- مشبه عقلی مشبه به حسی:

این نوع از تشبیه «رایج ترین نوع تشبیه است. زیرا غرض از تشبیه تقریر و توضیح حال مشبه در ذهن خواننده است و مشبه عقلی به کمک مشبه حسی به خوبی در ذهن مجسم و تبیین می شود. (شمیسا، ۱۳۷۴، ۷۴)

«در صور خیال رودکی اگر یک سوی خیال او مفهومی انتزاعی باشد. سوی دیگر امری محسوس و ملموس خواهد بود فضل او به مانند ابستاست و سیرت او زند است، جودش ابر است یا سیرت ممدوح تخم است و نعمت او آب است و خاطر مداح او زمین برومند مدح شاعر به زر می ماند و پای طرب به دام گرم

می افتد. عقل چمنی است که شراب خزان آن است» (شفیعی، ۱۳۹۰، ۴۱۶) در دیوان رودکی ۱۰/۶۶
درصد از تشبیهات حسی به عقلی اند.
نمونه:

دانش اندر دل چراغ روشن است
وز همه بد بر تن تو جوشن است (رودکی، ص ۱۵۶ ب ۸۶۰)
به خوشدلی گذران بعد از این، که باد اجل
درخت عمر بد اندیش را زپا افگند (همان، ۸۰ ب ۱۶۶)

۴- مشبه عقلی مشبه به عقلی:

«گاه هر دو طرف تشبیه غیر حسی است، چنانکه بگوییم: علم و دانش همچون حیات است چه حقیقت
دانش و حیات هیچکدام را با یکی از حواس ظاهری نمی توان درک کرد و آنچه محسوس می شود آثار علم
و حیات است نه خود علم و حیات» (همایی، ۱۳۸۸، ۲۳۱)
«به دشواری می توان در میان صور خیال او تصویری یافت که امری انتزاعی را به امری انتزاعی پیوند داده
باشد و تشبیهی از جنس اینکه طرب را در دل به دعای مستجاب مانند کند بسیار کم
دارد» (شفیعی، ۱۳۹۰، ۴۱۶)
این قسم از تشبیه در مقایسه با انواع دیگر در سطح بسیار محدودی در دیوان رودکی به کار رفته است.
(۲/۶۶ درصد)

نمونه:

تقدیر به عزم تیزگامت ماند
روزی به عطا دادن عامت ماند (رودکی، ۱۱۹، ب ۵۹۲)
همچو معماست فخر و همت او شرح
همچو ابستاست فضل و سیرت او زند (همان، ۷۹، ب ۱۵۳)

تشبیه به اعتبار موضوع مشبه:

در دیوان رودکی عناصری نظیر اشیا، اعضای انسانی، انسان، حیوان، عناصر طبیعی و انتزاعی به عنوان
مشبه آورده شده است.

۱- تشبیهاتی که مشبه آنها اشیا می باشد. شاعر اشیا می مانند: سنان، تیغ، تیر، کوس، کمان، می، کافور... را
به عنوان مشبه آورده است. در این میان می بالاترین بسامد را داراست.
نمونه:

از آن می مرا ده که از عکس او
چو یاقوت گردد به فرسنگ سنگ (رودکی، ۹۵، ب ۳۳۱)
کافور همچو گل چکد از دوش شاخسار
زیبِق^۱ چو آب بر جهد از ناف آبدان (همان، ۱۰۵، ب ۴۵۵)

۱. جیوه (عمید، ۱۳۷۱، ۶۹۷)

۲- تشبیهاتی که مشبه آنها اعضای انسانی است. شاعر اعضای انسانی چون: دل، روی، دندان، زلف، لب، قامت، دهن، خال، موی، بناگوش، زرخدان... را به عنوان مشبه آورده است.

نمونه:

یوسف رویی کزو فغان کرد دلم چو دست زنان مصریان کرد دلم (رودکی، ۱۲۱، ب ۶۱۰)
رویت دریای حسن و لعلت مرجان زلفت عنبر، صدف دهن، در دندان (همان، ۱۲۲، ب ۶۲۲)

۳- تشبیهاتی که مشبه انسان است. مثل: شاعر، ممدوح، زن، میر، دخت کسری، شمن، زن، معشوق، دشمن، ترک.....

نمونه:

هر شب نگرانم به یمن تا تو برآیی زیرا که سهیلی و سهیل از یمن آید (رودکی، ۸۶، ب ۲۳۹)
بزرگان جهان چون بند گردن تو چون یاقوت سرخ اندر میانه (همان، ۱۴۸، ب ۷۹۸)
۴- تشبیهاتی که مشبه آنها حیوانات می باشد. حیوان در سطح محدودتری به عنوان مشبه مورد استفاده قرار گرفته، حیواناتی چون: اسب، آهو، ماغ

نمونه:

ماغ در آبگیر گشته روان راست چون کشتیست قیراندود (رودکی، ۱۳۵، ب ۷۰۳)
باکروز و خرمی آهو به دشت می خرامد چون کسی کو مست گشت (همان، ۱۵۸، ب ۸۷۲)
۵- تشبیهاتی که مشبه عناصر انتزاعی است.

نمونه:

بر کشتی عمر تکیه کم کن کین نیل نشیمن نهنگست (رودکی، ۷۲، ب ۸۵)
صرصر هجر تو ای سرو بلند ریشه عمر من از بیخ بکند (همان، ۸۰، ب ۱۷۱)

۶- تشبیهاتی که مشبه طبیعت و عناصر طبیعی است.

این نوع از تشبیه از تنوع خاصی برخوردار است و اغلب از نوع حسی به حسی است. این تشبیهات بر خاسته از قریحه اوست و تقلیدی به نظر نمی رسد. یک عنصر طبیعی را به چیزهای مختلف مانند کرده و چندین تشبیه تازه خلق کرده است..

نمونه:

آمد این نوبهار توبه شکن پرنیان گشت باغ و برزن و کوی (رودکی، ۱۵۲، ب ۸۲۲)
فاخته گون شد هوی ز گردش خورشید جامه خانه به نیک فاخته گون آب (همان، ۱۲۹، ب ۶۶۵)

تشبیه به اعتبار موضوع مشبه به:

عناصری نظیر اشیا، اعضای انسانی، انسان، حیوان، حروف الفبا، عناصر طبیعی و انتزاعی به عنوان مشبه به آمده است.

۱- تشبیهاتی که مشبه به، اشیاست. این قسم از تشبیه بسامد بالایی را در شعر رودکی به خود اختصاص داده اند. که از میان آنها پارچه (پرنیان، دیبا، حریر، حله) لعل و یاقوت بیش از همه به عنوان مشبه به، به کار رفته اند.

نمونه: ریگ آمو و درشتی راه او
زیر پایم پرنیان آید همی (رودکی، ۱۱۳، ب ۵۳۵)
شدم پیر بدین سا و تو هم نه خود جوانی
مرا سینه پرانجوخ^۱ و تو چون چفته کمانی
(همان، ۱۵۱، ب ۸۱۹)

۲- مشبه به اعضای انسانی: در این تشبیهات مشبه اغلب اعضای انسانی و عناصر طبیعی است.
نمونه:

همچو چشمم توانگر است لبم
آن به لعل، این به لولو شهوار (رودکی، ۸۷، ب ۲۵۲)
لاله میان کشت بخندد همی زدور
چون پنجه عروس به حنا شده خضیب (همان، ۶۹، ب ۴۶)

۳- مشبه به انسان: در این تشبیهات مشبه اغلب انسان، عناصر طبیعی و حیوان است.
نمونه:

باکروز و خرمی آهو به دشت
می خرامد چون کسی کو مست گشت (رودکی، ۱۵۸، ب ۸۷۲)
نفاط برق روشن و تندرش طبل زن
دیدم هزار خیل و ندیدم چنین مهیب (همان، ۶۸، ب ۳۹)

۴- مشبه به حیوان و اعضای حیوانی: در این گونه از تشبیهات شاعر مشبه را به حیواناتی مانند: شاهین، گربه، آهو، اسب، اشتر مست، صعوه، زغن مانند کرده است. مرغ، طاووس، هزارستان و خر در حوزه تشبیهات او هر کدام ۲ بار تکرار شده اند ما بقی ۱ بار.
نمونه:

منم خو کرده بر بوسش، چنان چون باز بر مسته^۲
چنان بانگ آرم از بوسش، چنان چون بشکنی پسته

(رودکی، ۱۴۶، ب ۸۷۳)

آن ملک نیمروز و خسرو پیروز
دولت او یوز و دشمن آهوی نالان (همان، ۱۰۳، ب ۴۳۰)

۵- مشبه به حروف الفبا: شاعر اعضای انسانی را به حروف الفبا مانند کرده و تشبیه زیبایی را خلق کرده است.

نمونه:

زلف ترا جیم که کرد؟ آن که او
خال ترا نقطه آن جیم کرد (رودکی، ۷۷، ب ۱۳۶)

۶- مشبه به عناصر انتزاعی: این نوع از تشبیه از تنوع کمی برخوردار است در این میان بالاترین بسامد مربوط به بهشت (عدن) است که ۵ بار تکرار شده است. عناصری چون: خواب، جان، فسانه و باد، ساعد حورا، خاطر مجنون به عنوان مشبه به آورده شده است.

نمونه:

۱. چین و چروک پوست بدن، چین خوردگی پوست چهره در اثر پیری (عمید، ۱۳۷۱، ۲۰۳)

۲. طعمه پرندگان شکاری، مقداری از گوشت شکار که به پرنده شکاری بدهند. (همان، ۱۳۷۱، ۱۰۸۶)

ساقش به مثل چون ساعد حورا
 اگر می نیستی، یکسر همه دلها خرابستی
 پایش به مثل چو پای مرغابی (رودکی، ۱۰۹، ب ۵۰۰)
 اگر در کالبد جان را ندیدستی، شرابستی
 (همان، ۱۱۰، ب ۵۰۶)

۷- مشبه به عناصر طبیعی : از میان این عناصر ماه ۱۱ بار به عنوان مشبه به آمده است. عناصر طبیعی دیگری از قبیل سرو، آتش، باد، ستاره بعد از ماه سهمی در تشبیهات دارند.
 نمونه:

دل من ارزنی، عشق تو کوهی
 چه سایه زیر کوهی ارزنی را؟ (رودکی، ۶۷، ب ۳۰)
 چو برگ لاله بوده ام اکنون
 چون سیب پژمریده بر آونگم (همان، ۱۴۱، ب ۷۰۵)

تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن:

مفرد: تصور و تصویر یک هیت و یک چیز است. مثل گل، جام
 مقید: تصور و تصویر مفردی است که مقید به قیدی باشد. مثل جام بلورین
 مرکب: هیات متزع از چند چیز است. با زبان امروز تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آمدن آن توامان نقش داشته باشند. (شمیسا، ۱۳۷۴، ۴۰)
 طریق تشبیه از حیث افراد و ترکیب ممکن است با هم فرق داشته باشند. از این نظر به اقسام مختلفی مانند: مفرد به مفرد، مفرد به مقید، مقید به مفرد، مفرد به مرکب، مقید به مرکب و مرکب به مرکب قابل تقسیم است.

۱- مفرد به مفرد: یعنی یک چیز را به یک چیز مانند کنند. در دیوان رودکی بیشتر تشبیهات از این قسم می باشد.

نمونه:

آتش هجر ترا هیزم منم
 و آتش دیگر ترا هیزم پده^۱ (رودکی، ۱۴۶، ب ۷۸۵)
 بت پرستی گرفته ایم همه
 این جهان چون بتست و ما شمنیم (همان، ۱۴۲، ب ۷۵۲)
 ۲- مقید به مقید: آن است که دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه به) مقید به قیدی باشند.

نمونه:

آن صحن چمن، که از دم دی
 گفتمی: دم گرگ یا پلنگست (رودکی، ۷۲، ب ۸۳)
 گرفت آب کاشه^۲ ز سرمای سخت
 چو زرین ورق گشت برگ درخت (همان، ۱۷۱، ب ۹۵۹)
 ۳- مفرد به مقید: مشبه به، مقید به قیدی است.

۱. چوب پوسیده که آن را آتشگیر سازند، حراقه (معین، ۱۳۷۵، ۱/۷۰۹)

۲. یخ تنک نازک که در زمستان بندد و منجمد شود. (همان، ۳/۲۸۳۸/۱۳۷۵)

نمونه:

آن ابر بین که گرید چون مرد سوکوار و آن رعد بین که نالد چون عاشق کئیب (رودکی، ۶۸، ب، ۴۰)

این غم که مراست کوه قافست نه غم این دل که تراست سنگ خاراست، نه دل
(همان، ۱۲۱، ب، ۶۰۷)

۴- مقید به مفرد: مشبه مقید به قیدی است.

نمونه:

چرخ بزرگوار یکی لشکری بکرد لشکرش ابر تیره و بادصبا نقیب (رودکی، ۶۸، ب، ۳۸)
پس چرا بسته اویم همه عمر اگر آن زلف دوتا نیست کمند (همان، ۸۰، ب، ۱۷۲)

۵- مفرد به مرکب: در آن هیئتی به عنوان مشبه به آورده می شود.

نمونه:

ای روی تو چو روز دلیل موحدان وی موی تو چنان چون شب ملحد از لحد
(رودکی، ۷۴، ب، ۹۹)

بیار آن می که پنداری روان یاقوت نابستی و یا چون برکشیده تیغ پیش آفتابستی
(همان، ۱۱۰، ب، ۵۰۳)

۶- مرکب به مرکب: نمونه تشبیه مرکب که حاصل چند تصویر است، در اشعار رودکی بسیار اندک است.

نمونه:

خورشید ز ابر دمد روی گاه گاه چونان حصاری، که گذر دارد از رقیب (رودکی، ۶۸، ب، ۴۱)
به چنگال قهر تو در خصم بد دل بود همچو چرزی^۱ به چنگال شاهین (همان، ۱۴۵، ب، ۷۷۲)

۱. پرنده ای است از رسته پابلندان که در نواحی صحرایی و کویری آسیا و اروپا و آفریقا پراکنده است. (معین، ۴، ۱۳۷۵/۵۲۱۸)

مشخصات آماری به اعتبار حسی و عقلی بودن

مشخصات آماری / نوع تشبیه	تعداد	درصد
حسی به حسی	۲۳۸	۷۹/۳۳
عقلی به حسی	۳۲	۱۰/۶۶
حسی به عقلی	۲۲	۷/۳۳
عقلی به عقلی	۸	۲/۶۶

مشخصات آماری به اعتبار مفرد، مقید، مرکب بودن

مشخصات آماری / نوع تشبیه	تعداد	درصد
مفرد به مفرد	۱۹۳	۶۴
مفرد به مقید	۶۶	۲۲
مقید به مفرد	۱۹	۶/۳۳
مقید به مقید	۹	۳
مرکب به مرکب	۸	۲/۶۶
مفرد به مرکب	۵	۱/۶۶

مشخصات آماری تشبیه به لحاظ شکل

مشخصات آماری / نوع تشبیه	تعداد	درصد
مفروق	۴۵	۱۵
تسویه	۶	۲
جمع	۲۱	۷
ملفوف	۱	۰/۳۳
مشروط	۳	۱
مضمهر	۶	۲
تفضیل	۶	۲
مطلق	۲۱۲	۷۰/۶۶

مشخصات آماری تشبیه به لحاظ موضوع وجه شبه

مشخصات آماری / نوع وجه شبه	تعداد	درصد
صفت و حالت	۱۹۹	۶۶/۳۳
معنی	۴۳	۱۴/۳۳
رنگ	۴۲	۱۴
حرکت	۱۶	۵/۳۳

مشخصات آماری به اعتبار موضوع مشابه به

درصد	تعداد	مشخصات آماری
		نوع مشابه به
۳۴/۲۳	۱۱۵	عناصر طبیعی
۳۳/۶۳	۱۱۲	اشیا
۱۰/۲۴	۳۴	حیوان و اعضای حیوانی
۹/۶۳	۳۲	عناصر انتزاعی
۸۰/۷۰	۲۹	انسان
۲/۴۰	۸	اعضای انسانی
۰/۰۶۰	۲	حروف الفبا

مشخصات آماری به اعتبار موضوع مشابه

درصد	تعداد	مشخصات آماری
		نوع مشابه
۲۷/۱۲	۸۶	اعضای انسانی
۲۶/۸۱	۸۵	انسان
۱۹/۵۵	۶۲	طبیعت و عناصر طبیعی
۱۳/۵۶	۴۳	عناصر انتزاعی
۱۱/۰۴	۳۵	اشیا
۱/۸۹	۶	حیوان

نتیجه

استفاده از روش های آماری وجداول علاوه بر اینکه به شیوه پژوهش اعتبار می بخشد نشانگر دقت محقق است و زمینه مقایسه آن ، با آثار دیگر را فراهم می کند. تشبیه مهم ترین صور خیال در شعر رودکی است. دستگاه بلاغی اشعار رودکی بر پایه تشبیهات شکل گرفته و استعاره و کنایه و..... جایگاه چندانی در اشعار وی ندارند. تصاویرش ساده و روان، واضح و روشن است. اوصاف و تشبیهات او از مبالغه و تکلف خالی است و تازگی و لطافت دارد. در تشبیهات رودکی جهان، عناصر طبیعی و اشیا آن گونه که هستند در ذهن او بازتاب می یابند و دستخوش خیال شاعرانه نمی شوند. و ذهن او همانند آینه در برابر طبیعت قرار دارد و طبیعت را همانگونه که هست باز می نماید. به همین علت حدود ۸۰ درصد از تشبیهات او حسی به حسی اند. در تشبیهات او امور ذهنی و انتزاعی به جامه محسوس و مادی در می آیند. اگر یک سوی تشبیه خیال و مفهوم انتزاعی باشد سوی دیگر امور محسوس و ملموس است. لذا تشبیهات عقلی به عقلی حدود ۲/۶۶ درصد از تشبیهات را شامل می شود. تشبیهات او بیشتر از نوع مرسل هستند و در آنها از اداتی مانند: چون، همچون، چو، گویی، به کردار، بر کردار، به مثل ، راست، آسا، چونان، چنانکه که از ادات معروف شعر فارسی اند، استفاده شده است. به اعتبار موضوع وجه شبه صفت و حالت با ۶۶/۳۳ درصد بالاترین و حرکت با ۵/۳۳ درصد پایین ترین بسامد را به خود اختصاص داده اند. به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن بیشتر تشبیهات از نوع مفرد به مفردند (۶۴/۳۳ درصد) و تشبیهاتی که یک یا دو طرف آن مرکب باشد کاربرد چندانی نداشته است. تشبیهات مفروق و جمع به ترتیب با ۱۵ و ۷ درصد از زیبا ترین انواع تشبیهات محسوب می شوند موضوعات مشابه، را به ترتیب اعضای انسانی (۲۷/۱۲ درصد) انسان (۲۶/۸۱) عناصر طبیعی (۱۹/۵۵) عناصر انتزاعی (۱۳/۵۶) اشیا (۱۱/۰۴) حیوان (۱/۸۹) شامل می شود. و عناصر سازنده مشابه به را عناصر طبیعی (۳۴/۶۳ درصد) اشیا (۳۳/۷۳) حیوان و اعضای حیوانی (۱۰/۲۴) عناصر انتزاعی (۹/۶۳) انسان (۸/۷۰) اعضای انسانی (۲/۴۰) حروف الفبا (۰/۰۶۰) تشکیل می دهند.

منابع:

- ۱- آویارد، هلن، چگونه یک تحقیق مروری انجام دهیم؟، مترجم پوریا صرامی و فردین علی پور، چاپ نماد، تهران، ۱۳۹۰ش.
- ۲- ابن طباطبا العلوی، محمدابن احمد، عیارالشعر، به تحقیق دکتر طه الحاجزی و دکتر محمد زغلول سلام، قاهره، ۱۹۵۶ م.
- ۳- رودکی سمرقندی، دیوان، نسخه سعید نفیسی براگینسکی، انتشارات نگاه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۶ش.
- ۴- زرین کوب، عبدالحسین، با کاروان حله، تهران، ۱۳۶۹ش.
- ۵- شفیعی کدکنی، محمد رضا، صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۰ش.
- ۶- شمیسا، سیروس، نگاهی تازه به بدیع، نشر فردوسی، تهران، ۱۳۷۱ش.
- ۷- همو، بیان و معانی، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۷۳ش.
- ۸- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران ج ۱، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۷۲ش.
- ۹- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱ش.
- ۱۰- عوفی، محمد، لباب الالباب، تصحیح ادوارد براون، کتابفروشی فخر رازی، تهران، ۱۳۶۱ش.
- ۱۱- محبوب، محمدجعفر، سبک خراسانی در شعر فارسی، نشر جامی، ۱۳۶۲ش.
- ۱۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی، نشر سپهر، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۵ش.
- ۱۳- نفیسی، سعید، محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، نشر اهورا، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲ش.
- ۱۴- هاشمی، احمد، جواهرالبلاغه، مترجم حسن عرفان، نشر بلاغت، قم، ۱۳۸۷ش.
- ۱۵- همو، جواهرالبلاغه، نشر واریان، چاپ پنجم، قم، ۱۳۸۳ش.
- ۱۶- همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، نشر هما، تهران، ۱۳۶۸ش.